

اقتصاد ایران: تغییر سیاست‌ها نیاز به گذار نهضت‌محوری را نیاز به گذار نهضت‌محوری را

در تدارك قرن بیست و یکم، ایران با چالش‌های گسترده حاصل از تغییرات سریع در اقتصاد جهانی، روبرو خواهد بود. بعد اقدامات مثبتی که در سال‌های اخیر در جهت برقراری تعادل در حوزه اقتصاد کلان انجام شده است، یعنی برطرف کردن کسری بودجه و تعدیل تراز پرداخت‌ها، اقتصاد ایران به رشد نیاز مبرمی دارد. با توجه به ازدیاد جمعیت و فشار بیکاری و وابستگی گسترده ایران به درآمد نفت و نیز تشدید رقابت در بازار بین‌المللی، نیاز به رشد اقتصادی امری حیاتی به شمار رود.

درست است که جنگ هشت ساله با عراق، وخامت اوضاع عمومی تجارت خارجی ایران، تحریم اقتصادی و رشد سریع جمعیت، دلایل اساسی ضعف اقتصادی ایران به شمار می‌آیند، اما آینده اقتصادی ایران عمدتاً به سیاست‌هایی که در داخل کشور تعیین شوند، بستگی خواهد داشت. سیاست‌هایی که ساختارهای مناسب را برای رشد، تدارك بینند. در آینده دولت همچنان ملزم به ایفای نقش مهمی در اقتصاد ایران خواهد بود، در عین حال می‌بایست منابع گسترده‌ای نیز از جانب بخش خصوصی تامین گردد تا رشد اقتصادی میسر شود. اما می‌دانیم که سرمایه‌گذاری خصوصی به وضعیت کلان اقتصادی ای ثابت و قابل پیش‌بینی و همچنین به ساختارهای مناسب نیاز دارد.

با چنین چشم‌اندازی است که در این مقاله به تغییرات ساختاری لازم که می‌توانند موجب سرمایه‌گذاری بهتر و رشد اقتصادی بیشتری شوند، اشاره خواهیم کرد. مقاله ابتدا به بازبینی چالش‌هایی که اقتصاد ایران با آن روبرو است پرداخته و سپس، روند اخیر سرمایه‌گذاری در ایران را

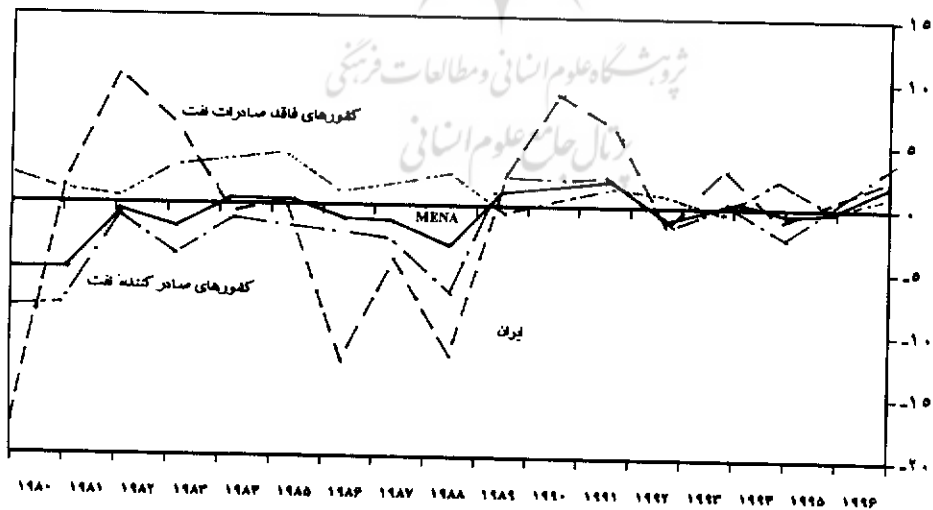
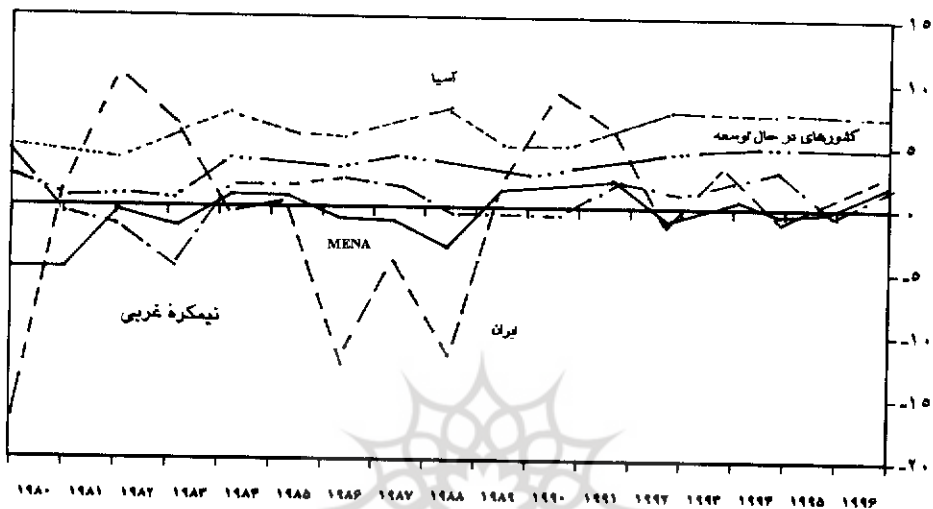
مورد بحث قرار خواهد داد. در بخش پایانی مقاله، تغییرات ساختاری ای که می تواند موجب ترغیب سرمایه گذاری خصوصی شود، ارائه خواهد شد.

تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی

علیرغم تلاش های جدی برای تحرك بخشیدن مجدد به اقتصاد ایران پس از پایان جنگ، عملکرد آن همچنان بسیار پائین تر از توان بالقوه آن می باشد. در سال های اخیر، پیشرفت های مهمی در پایین آوردن کسری بودجه دولت و عادی کردن وضع بدهی های خارجی و بازسازی زیربنای کشور حاصل شده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی رو به افزایش داشته است، اگر چه، تولید سرانه ناخالص داخلی شاید شاخص بهتری برای اندازه گیری وضعیت اقتصادی یک کشور باشد. همانطور که در نمودار ۱ مشاهده می شود، هرچند این شاخص در ایران بالاتر از باقی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا^۲ است، اما رشد واقعی تولید سرانه ناخالص داخلی به طور مستمر پائین تر از همین شاخص در کشورهای در حال رشد و به ویژه کشورهای آسیایی بوده است. علاوه بر آن، مصرف سرانه واقعی به کمتر از نصف سطح آن در پیش از انقلاب، کاهش یافته است و بیکاری به ویژه با توجه به رشد سریع جمعیت در سال های اخیر^۳ همچنان مسئله ای جدی محسوب می شود. اقتصاد ایران کماکان و به جهات مختلف وابسته به صنعت نفت است و به همین دلیل از آسیب پذیری بالایی در ارتباط با تغییرات خارجی رنج می برد. تخمین زده می شود نرخ بیکاری که در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۱۰٪ بود و در سال ۱۳۶۵ به ۱۴٪ افزایش یافت و سپس به ۱۲٪ کاهش پیدا کرد. رشد نقدینگی بسیار بالا بوده است و به رقم ۳۸٪ در سال ۱۳۷۴ رسید که خود علت عمده فشارهای تورمی است. تورم در ایران، هم بالا است و هم شدیداً متغیر. نرخ متوسط آن در فاصله سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ بر ۳۳٪ بالغ شد^۴. عدم انعطاف و ناهمگونی در اقتصاد ایران، عدم توازن بودجه، محدودیت های مهم در تدوین و اجرای سیاست پولی و کاستی های دیگر در حوزه های پول و سرمایه، زمینه مشکلات مذکور اقتصاد کلان ایران می باشند.

با توجه به گرایش به سوی ادغام هرچه بیشتر کشورها در اقتصاد جهانی، یعنی با توجه به رقابت ها و فرصت های جدیدی که ایران در سال های آتی بیش از پیش با آن روبرو خواهد شد، بهبود عملکرد اقتصادی ایران عاجل به نظر می رسد. بسیاری از سیاست گذاران کشورهای در حال توسعه، به ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا، به اهمیت اتخاذ سریع و اساسی برنامه هایی برای دستیابی به ثبات اقتصادی و برداشتن موانع سرمایه گذاری بخش خصوصی و استفاده از فرصت های ارائه شده در اقتصاد جهان، پی برده اند. به عنوان مثال، مصر، اردن و تونس در این جهت اقدامات اساسی ای انجام داده اند. یعنی، علاوه بر تغییرات مهم در سیاست های کلان اقتصادی، به اصلاحات ساختاری مهمی در حوزه های مالی، تجارت خارجی و خصوصی سازی دست زده اند. فزون بر این، آنها مشترکاً با

نمودار ۱: رشد واقعی سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، و ایران ۱۳۷۵ - ۱۳۵۹ (تغییر سالانه به درصد)



اتحادیه اروپا اقدام به تاسیس مناطق آزاد تجاری ای کرده اند که می تواند سرمایه گذاری خارجی و ادغامی بهتر در اقتصاد جهانی را موجب شود. نتیجه آن که تعدادی از این کشورها و از آن جمله مصر، شاهد رشد سرمایه گذاری خارجی در کشورشان بوده اند.

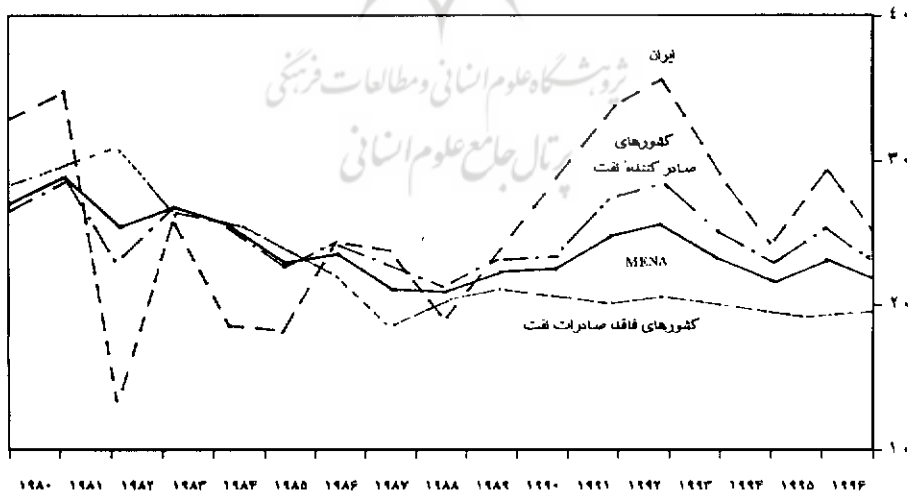
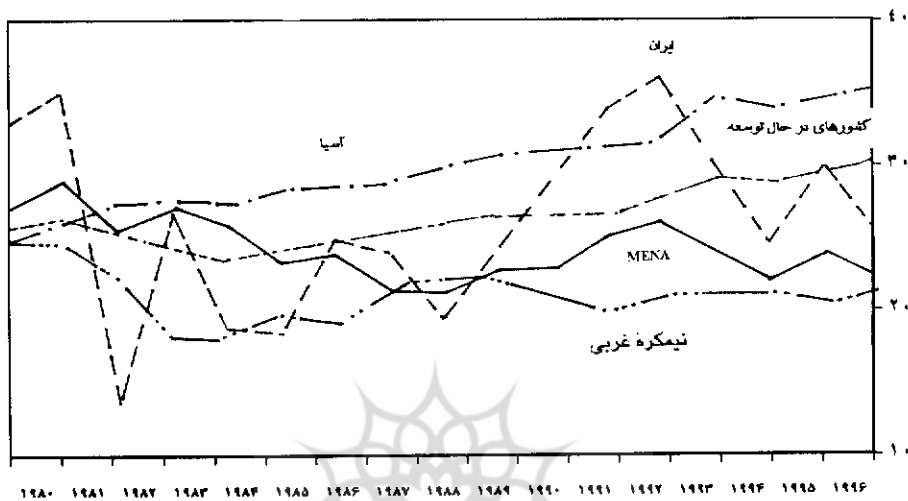
به هنگام تدارک برنامه های پنجساله اول و دوم، بسیاری از سیاست گذاران ایرانی متوجه این چالش ها بودند و همچنین آگاه به لزوم اتخاذ سیاست هایی که رشد پایدار را تضمین کند. در واقع نیز رشد اقتصادی در ایران به رشد سرمایه های مالی و انسانی نیاز دارد. برنامه های پنجساله ایران بر اهمیت تداوم نقش اقتصادی دولت تاکید کرده اند، معهداً واضح است که وظیفه اصلی در ایجاد اشتغال و تامین رشد، بر عهده بخش خصوصی خواهد بود. توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی، به اقدامات جدی و مستمر برای دستیابی به یک استراتژی مناسب برای اصلاحاتی ساختاری که به ثبات اقتصادی منجر گردد، نیاز دارد^۵. همانطور که یادآور شدیم، از عوامل تشکیل دهنده یک چنین استراتژی ای در برنامه های پنجساله اول و دوم یاد شده است، اینک باید با دیدی وسیع تر اجرایشان را تسریع کرد. بدین منظور گفت و گوی گسترده عمومی و شناسایی صریح چالش های اقتصاد ایران، امری الزامی به نظر می رسد. هرگونه تاخیری در این امر باعث افزایش هزینه اجرای آن خواهد شد، هزینه ای که عمدتاً بر دوش آسیب پذیرترین اقشار، یعنی کارمندان دولت، کارگران و بازنشستگان خواهد بود که بهای عدم تعادل در حوزه اقتصاد کلان را می پردازند.

وضعیت سرمایه گذاری در ایران

روند تشکیل سرمایه که در سال های دهه ۱۳۵۰ به دلیل افزایش قیمت نفت به اوج خود رسید، پس از انقلاب شدیداً کاهش یافت. همانگونه که در نمودار شماره ۲ می توان مشاهده کرد، تقریباً در تمامی سال های دهه ۱۳۶۰ نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی پائین تر از این نسبت در سایر کشورهای در حال توسعه، کشورهای آسیایی و کشورهای منطقه خاور میانه و شمال آفریقا، اعم از صادرکنندگان نفت و دیگران، بوده است. با پایان یافتن جنگ و تلاش دولت برای تثبیت امور اقتصادی، فعالیت سرمایه گذاری در ارتباط با بازسازی، رشد قابل ملاحظه ای یافت. در عین حال، با بروز مشکل بدهی های خارجی و سیاست های دولت مبنی بر محدود کردن واردات، شاهد کاهش شدیدی در زمینه فعالیت سرمایه گذاری از سال ۱۳۷۱ هستیم. در سال های پس از انقلاب، نرخ تشکیل سرمایه بین ۱۳٪ و ۳۵٪ تولید ناخالص داخلی در نوسان بوده است. میزان سرمایه گذاری خصوصی که در سال ۱۳۵۶ با ۱۵٪ به اوج رسید، در نیمه اول دهه ۱۳۶۰ به ۸٪ تولید ناخالص داخلی کاهش یافت، هرچند که در سال های اخیر مجدداً رشد پیدا کرده است^۶.

جای تعجب نیست اگر در ترکیب سرمایه ها نیز تغییراتی پدید آمده است. ترکیب سرمایه حاکی از تغییر جهت از سرمایه گذاری در بخش ماشین آلات و تجهیزات که منابع اساسی رشد اقتصادی با

نمودار ۲: تشکیل ناخالص سرمایه در کشورهای در حال توسعه، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) و ایران ۱۳۵۹ - ۱۳۷۵
(به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی)



کیفیت بالا هستند، به سوی سرمایه‌گذاری در ساختمان می‌باشد. سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات و معادن، که ۳۷٪ کل تشکیل سرمایه ثابت در سال ۱۳۵۳ بود، به پائین‌تر از ۲۲٪ در اواخر دهه ۱۳۶۰ کاهش یافت^۷. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در ایران شاهد یک گرایش از سوی بخش صنایع و معادن به سوی بخش خدمات بوده است. البته در سال‌های اخیر، بخش خدمات نسبت به سایر بخش‌های اقتصاد ایران، کمتر تحت نظارت دولت بوده است. سهم بخش صنعت و معدن از تشکیل سرمایه در کل کشور از ۲۵٪ در سال ۱۳۵۶ به پائین‌تر از ۱۳٪ در اواسط دهه ۱۳۶۰ سقوط کرد، هرچند در سال‌های اخیر بهبودی در این زمینه به وقوع پیوسته است.

سیاست‌های لازم جهت تشویق سرمایه‌گذاری و رشد

پرسش این است که چه گام‌هایی می‌بایست در جهت تدارک فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری در ایران برداشت؟ تدارک یک چنین فضایی به اصلاحات ساختاری جدی‌ای نیاز دارد که هدف آن بهبود عوامل زیر خواهد بود: نظام قیمت‌گذاری، چارچوب تنظیم بازار، بازارهای پول و سرمایه، و همچنین نیل به ثبات عمومی در حوزه اقتصاد کلان. وضعیتی که شاخص‌های آن را کسری بودجه، تورم، نوسانات شدید در حوزه تجارت خارجی، و عدم اطمینان به سیاست‌های کلان اقتصادی دولت تشکیل دهند، وضع نامساعدی برای سرمایه‌گذاری و رشد خواهد بود.

الف- چارچوب مقرراتی برای بخش خصوصی

روشن است که جلب سرمایه‌گذاری خصوصی مستلزم قوانین تجاری و مالیاتی مناسب، قانون کار و نظامی است که پشتیبان سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی باشد. در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی جدی در جهت بهبود شرایط سرمایه‌گذاری خصوصی شده است. در عین حال، به دلیل نبود توافقی گسترده در زمینه سیاست‌ها و همچنین ضعف بخش خصوصی، آئین‌نامه‌های ایران در حوزه تجارت و اقتصاد، اغلب محدود کننده هستند. حقوق مالکیت می‌بایست با جدیت بیشتری رعایت شود. ترغیب سرمایه‌گذاری خصوصی به قوانین شفاف‌تر و تدوین شده‌تری نیاز دارد که در آن بوروکراسی به حداقل لازم تقلیل یافته باشد. هم‌اکنون آئین‌نامه‌های تجاری ایران پیچیده‌اند و از ضعف اجرایی حکایت دارند.

ایجاد زمینه مناسب و قابل پیش‌بینی برای روابط کارگر و کارفرما در بخش خصوصی در این راستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قانون جدید کار که در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید، انعطاف بازار کار را کاهش داده و به ویژه به ضرر شرکت‌های کوچکی است که با توجه به منابع مالی محدودشان نمی‌توانند به خود اجازه دهند وارد دعاوی حقوقی طولانی با کارگران بشوند. علاوه بر این، قانون کار جدید با تعیین حداقل دستمزد برای کارگران با تخصص‌های مختلف و برحسب نوع شغل، بر پیچیدگی بازار کار می‌افزاید. این نقاط ضعف کاملاً در برنامه پنجساله دوم شناسایی شده

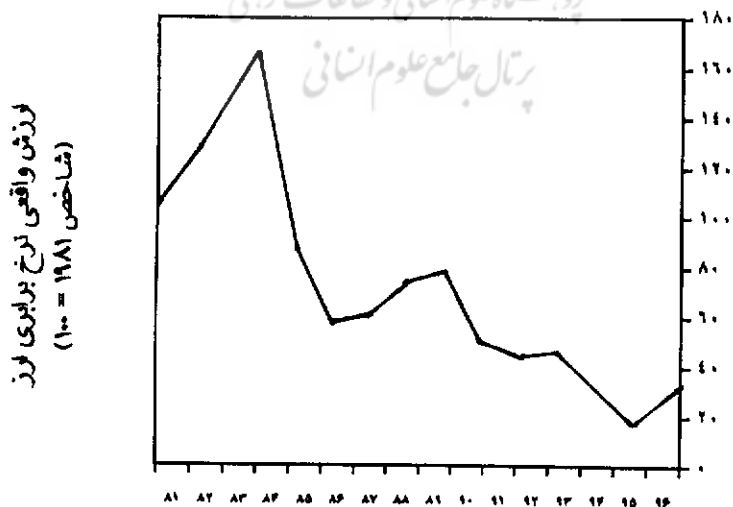
اند، فقط می‌بایست تغییراتی را که این برنامه پیشنهاد می‌کند، هر چه سریع‌تر به اجرا گذاشت^۸. برنامه‌های پنجساله دولت بر اهمیت تأثیر اصلاحاتی که به منظور توسعه صادرات، ایجاد تسهیلات و شفافیت در زمینه تجارت صورت می‌گیرد، بر رفاه مصرف‌کننده و همچنین جلب سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی تأکید کرده است. در این زمینه، اینکه دولت برنامه آزادسازی تجاری‌اش را سریعاً به اجرا بگذارد، عاجل به نظر می‌رسد. موفقیت اخیر صادرات غیر نفتی ایران در رخنه به بازارهای جدید جهانی، گواه بر وجود فرصت‌ها و توان‌های بالقوه‌ای است که اقتصاد جهانی برای ایران دارا می‌باشد. در عین حال، توسعه صادرات باید به صورتی کارآ انجام پذیرفته و از گرایش به تخصیص یارانه‌های بی‌رویه و ناهمگون پرهیز نماید. در این چارچوب، اقداماتی جدی برای یکسان‌سازی نرخ ارز الزامی به نظر می‌رسد.

کارشناسان امور اقتصادی به این امر آگاهند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها توان ایجاد منابع مالی مورد نیاز در بخش خصوصی را دارد، بلکه می‌تواند به عنوان انتقال‌دهنده تکنولوژی و تسهیل‌کننده ورود کالاهای صادراتی ایران به بازارهای جهانی نیز به خدمت گرفته شود. در این زمینه، شاهد تلاش‌های زیادی از سوی مسئولان ایرانی برای جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، در بخش‌های نفتی و غیرنفتی بوده ایم.

در این زمینه، تدوین سیاست‌ها و آئین‌نامه‌هایی در جهت تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی مفید فایده خواهد بود. ثابت شده است که یک چنین سرمایه‌هایی قادرند نقش مهمی را در تجهیز و توسعه صنعت نفت ایفا کنند. تجربه‌ای که می‌توان به سایر حوزه‌ها نیز تعمیم داد.

ب- نظام قیمت‌ها و نرخ تبدیل ارز

تعیین قیمت کالا بر مبنای عرضه و تقاضا، هر چند خالی از نقاط ضعف نمی‌باشد، اما،



اطلاعات روشنی را در اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد در اختیار می‌گذارد. هرگونه کنترل دلبخواه و دخل و تصرف در این نظام، به بروز شاخص‌های گمراه‌کننده‌ای برای شرکت‌کنندگان در بازار می‌انجامد و مانع از تصمیم‌گیری اقتصادی است. در سال‌های اخیر، دولت گام‌هایی را در جهت آزادسازی قیمت‌ها برداشته است. معیذا کنترل قیمت‌ها همچنان برای برخی از کالاها انجام می‌گیرد و نیز به دلیل وجود یارانه‌های تلویدی، قابل‌رویت نیستند^{۱۰}. غیر واقعی‌ترین قیمت‌ها در ایران، قیمت فرآورده‌های نفتی است. اصلاح قیمت فرآورده‌های نفتی که از دو سال پیش در ایران آغاز شده است، هم برای عقلایی کردن مصرف الزامی است و هم به افزایش درآمد دولت کمک خواهد رساند. علاوه بر این، فروش فرآورده‌های نفتی به قیمت غیر واقعی به ادامه حیات بیهوده و مضر شرکت‌هایی می‌انجامد که دارای مصرف بالای انرژی با بهره‌وری پائین هستند. این وضعیت نه فقط بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تاثیر منفی خواهد گذاشت بلکه دولت را نیز مجبور به استقراض از بانک‌ها برای تامین کسر بودجه اش خواهد کرد. امری که به واسطه ایجاد تورم به نوعی مالیات‌گیری غیر مستقیم از درآمد نیز از دارایی‌های پولی افراد می‌انجامد.

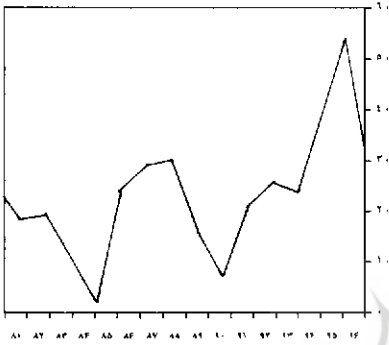
یکی از مهم‌ترین قیمت‌ها در یک نظام اقتصاد آزاد، قیمت ارز است. استمرار نظام چندنرخ‌ی ارز از یک سو به گمراهی بخش خصوصی درباره شاخص قیمت بازار می‌انجامد و از سوی دیگر، انگیزه‌ای است برای فعالیت‌های سودجویانه با استفاده از اختلاف نرخ ارز و نیز گرایش منابع به فعالیت‌های غیر تولیدی خدماتی که فقط به نفع یک گروه کوچک و به ضرر کل اقتصاد می‌باشد. در سال‌های گذشته، مسئولان تلاش‌هایی برای از میان برداشتن نظام چندنرخ‌ی انجام دادند. تلاشی که به دلیل فقدان سیاست‌های کلان اقتصادی به ویژه باهدف کنترل حجم نقدیگی، با موفقیت کامل روبرو نبود. افزایش ارزش واقعی نرخ تبدیل ریال به میزان ۸۱٪ از سال ۱۳۷۳ (نمودار ۴) به کاهش قدرت رقابتی صادرات ایران در بازارهای جهانی منجر شد^{۱۱}. یکسان‌سازی نرخ ارزی که با پیش‌شرط‌های لازم، یعنی بهبود وضعیت اعتبارات عمومی، و به ویژه سیاست‌های پولی و مالی متناسب باشد، یکی از عناصر مهم مجموعه اصلاحاتی است که اقتصاد ایران را به سمت رشدی مداوم و با کیفیت بالا رهنمون می‌شود.

پ- اصلاحات ساختار مالی دولت و خصوصی‌سازی

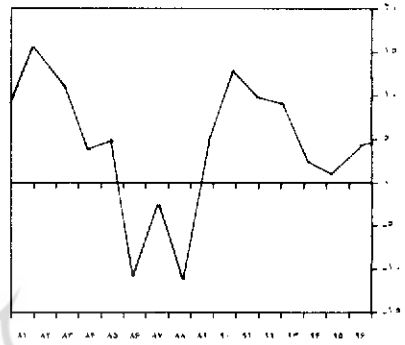
در سال‌های اخیر، وضعیت مالی دولت بهبود چشمگیری یافته است. دلیل این امر را باید در افزایش قیمت نفت و متوازن شدن بودجه دانست. با این حال، کسری بودجه که شامل هزینه‌های خارج از بودجه برای پوشش دادن ضررهای ناشی از نرخ برابری ارز است، کماکان بالاست. این کسری به طور متوسط برای سال‌های ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۶، بالغ بر ۳/۲٪ کل بودجه بوده است. این ضررها مربوط به استقراض‌های خارجی است که در دوران چندنرخ‌ی بودن ارز و پرداخت یارانه برای واردات کالاهای اساسی در سال‌های گذشته پرداخت شده است^{۱۲}. لزوم پوشش کسری بودجه

نمودار ۴: گزیده‌ای از شاخص‌های اقتصادی ۱۳۷۵ - ۱۳۶۰

تورم (درصد)



رشد واقعی تولید ناخالص داخلی
به درصد

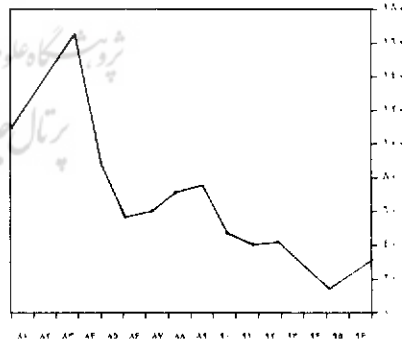


تجارت خارجی

به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی



ارزش واقعی نرخ برابری لری
(شاخص ۱۹۸۱ = ۱۰۰)



دولت، نیازهای مالی ای را سبب شد که باعث افزایش حجم نقدینگی (جدول شماره ۲) و فشارهای تورمی بود که به عدم توازن اقتصاد کلان ایران انجامید.

اگرچه وضعیت بودجه ای ایران در چند سال گذشته رو به بهبود بوده است، اما ساختار بودجه ای ایران نیازمند اصلاحات مهمی است که توجه به آنها می تواند نقش اساسی در تدارک محیطی مناسب برای رشد بخش خصوصی، ایفا کند. این تغییرات می بایست از طریق کاهش تقاضاهای اعتباری دولت از نظام بانکی کشور و با هدف تصحیح قیمت ها و ایجاد یک نظام تشویقی و دسترسی به یک اقتصاد با ثبات انجام گیرد.

حال پرسش این است که معضلات ساختاری وضعیت مالی دولت کدامند؟ یکی از این معضلات تخصیص بخش اعظمی از هزینه های بودجه ای به یارانه های آشکار و یا تلویحی است^{۱۳}، یعنی ساختار هزینه ای که شفاف نبوده و مانع از مدیریت و نظارت مناسب است و به این معنا موجب منحرف شدن بسیاری از تلاش ها به سوی فعالیت های سودجویانه Rent-Seeking-Activities از طریق منعقد کردن قرارداد با دولت و استفاده از منابع دولتی است. به واسطه درآمد نفت، دولت ها در کشورهای نفت خیز خاورمیانه و شمال آفریقا به ایفای نقش توزیعی فراخوانده می شوند. یکی از راه های تقسیم درآمد نفت، ایجاد مشاغل دولتی است^{۱۴}. از جمله راه های دیگر می توان از یارانه های مستقیم و تلویحی صحبت کرد و همچنین از برنامه های توسعه عمومی^{۱۵}. در حالی که در ایران، یارانه های مستقیم همانند یارانه هایی که به واسطه سازمان حمایت از مصرف کننده و تولید کننده، به ویژه برای مصرف کننده پرداخت می شود، نسبتاً پائین است (حدود ۳٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۳) سطح یارانه های تلویحی که اغلب متأثر از نظام چند نرخ ارز بوده و شامل عرضه خدمات و کالا به قیمت پائین تر از قیمت بازار و نیز یارانه برای محصولات کشاورزی است، نسبتاً بالا می باشد. نمونه بارزی از یارانه های تلویحی، یارانه های دولت ایران بر فرآورده های نفتی است، که در سال ۱۳۷۴ بالغ بر ۱۲ تریلیون ریال (یعنی ۹٪ تولید ناخالص داخلی) بود. در کل، هزینه های دولت ایران، بالاتر از میانگین هزینه های دولت ها در کشورهای در حال توسعه در سال های ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۶ (جدول شماره ۲) بوده است، اما پائین تر از میانگین مجموعه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا. در این دوره هزینه های دولت بر ۲۷٪ تولید ناخالص داخلی بالغ شد. این رقم را باید با رقم ۲۰٪ که متوسط هزینه های دولت در مجموعه کشورهای در حال توسعه است، مقایسه کرد^{۱۶}.

از نظر درآمد، دولت همچنان شدیداً به صنعت نفت وابسته است. در فاصله سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴، درآمد حاصل از نفت و گاز ۵۹٪ کل درآمد دولت را تشکیل می داد. در همین دوره پنج ساله، میزان مالیات ها به تولید ناخالص داخلی رو به کاهش بوده و به طور متوسط به ۳۸٪ بالغ گشت. این رقم پائین تر از میانگین مجموعه کشورهای در حال توسعه است. علیرغم بهبودی که در آئین نامه

(جدول شماره ۲)

تغییرات سالیانه تراز تجاری به درصد																	
متوسط	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	۴۱.۷	۱۰.۲	-۰.۳	-۱۱.۵	-۰.۳	-۲۵.۵	-۰.۹	-۰.۲	-۱۱.۵	-۰.۳	-۲۵.۵	-۰.۹	-۰.۲	-۱۱.۵	-۰.۳	۱۰.۲	۴۱.۷
صادرکنندگان نفت	۴۵.۹	۱۲.۲	-۲.۲	-۱۰.۹	-۲.۲	-۲۵.۵	-۰.۹	-۰.۲	-۱۱.۵	-۰.۳	-۲۵.۵	-۰.۹	-۰.۲	-۱۱.۵	-۰.۳	۱۲.۲	۴۵.۹
بقیه کشورهای این حوزه	۳.۶	-۲.۲	-۵.۹	-۴.۶	-۱.۲	-۱۲.۴	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۲.۲	۳.۶
کشورهای در حال توسعه	۱۸.۷	۴.۶	-۱.۴	-۵.۶	-۱.۴	-۱۲.۴	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	۴.۶	۱۸.۷
کشورهای صحرای آفریقا	۲.۶	-۲.۲	-۴.۶	-۲.۲	-۱.۲	-۱۲.۴	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۲.۲	۲.۶
آسیا	۲.۶	-۲.۲	-۴.۶	-۲.۲	-۱.۲	-۱۲.۴	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۲.۲	۲.۶
نیوم کره غربي	۶.۶	-۱.۲	-۲.۲	-۱.۲	-۱.۲	-۱۲.۴	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۹	-۱.۱	-۱۳.۶	-۱.۱	-۱.۲	۶.۶
ایران	۵۰.۰	۱۷.۳	-۲۸.۸	۵.۱	۶.۱	-۱۲.۳	-۴۹.۸	۲۲.۱	-۲۹.۱	۲۲.۱	-۲۹.۱	۲۲.۱	-۲۹.۱	۲۲.۱	-۲۹.۱	۲۲.۱	۵۰.۰

هزینه و استعراض خالص (درصد تولید ناخالص داخلی)																	
متوسط	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	۳۸.۴	۴۵.۲	۴۶.۹	۴۶.۱	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۴۶.۲	۳۸.۴
صادرکنندگان نفت	۲۸.۶	۴۱.۸	۴۱.۸	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۲۸.۶
بقیه کشورهای این حوزه	۲۷.۹	۵۰.۵	۵۵.۵	۵۶.۱	۵۲.۶	۴۸.۱	۴۶.۲	۴۸.۹	۴۸.۹	۴۸.۹	۴۶.۲	۴۸.۱	۵۲.۶	۵۶.۱	۵۵.۵	۵۰.۵	۲۷.۹
کشورهای در حال توسعه	۲۲.۰	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۴۴.۸	۲۲.۰
کشورهای صحرای آفریقا	۲۷.۲	۲۷.۰	۲۸.۳	۲۷.۲	۲۶.۶	۲۷.۱	۲۶.۶	۲۷.۲	۲۷.۲	۲۷.۲	۲۶.۶	۲۷.۱	۲۶.۶	۲۷.۲	۲۷.۰	۲۷.۲	۲۷.۲
آسیا	۲۳.۴	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۴
نیوم کره غربي	۱۲.۲	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۴.۹	۱۲.۲
ایران	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲

کل درآمدهای دولتی درصد تولید ناخالص داخلی																	
متوسط	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	۳۳.۷	۴۱.۲	۳۸.۵	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۶.۲	۳۳.۷
صادرکنندگان نفت	۴۶.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۴.۵	۴۶.۵
بقیه کشورهای این حوزه	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲
کشورهای در حال توسعه	۱۹.۷	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۱۹.۷
کشورهای صحرای آفریقا	۱۹.۷	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۱۹.۷
آسیا	۱۹.۷	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۱۹.۷
نیوم کره غربي	۱۰.۸	۱۱.۵	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۸
ایران	۲۱.۶	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۲۱.۶

بیلان بودجه دولت مرکزی درصد تولید ناخالص داخلی																	
متوسط	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	۱.۲	-۴.۱	-۸.۴	-۹.۳	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	۱.۲
صادرکنندگان نفت	۷.۹	۲.۷	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	-۲.۶	۷.۹
بقیه کشورهای این حوزه	-۱۱.۶	-۱۴.۵	-۱۷.۶	-۱۶.۶	-۱۳.۷	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶	-۱۱.۶
کشورهای در حال توسعه	-۱.۶	-۲.۷	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۱.۶
کشورهای صحرای آفریقا	-۱.۶	-۲.۷	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۵.۸	-۱.۶
آسیا	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷	-۲.۷
نیوم کره غربي	-۱.۴	-۲.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۴.۶	-۱.۴
ایران	-۱۴.۶	-۱۱.۲	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۶.۰	-۱۴.۶

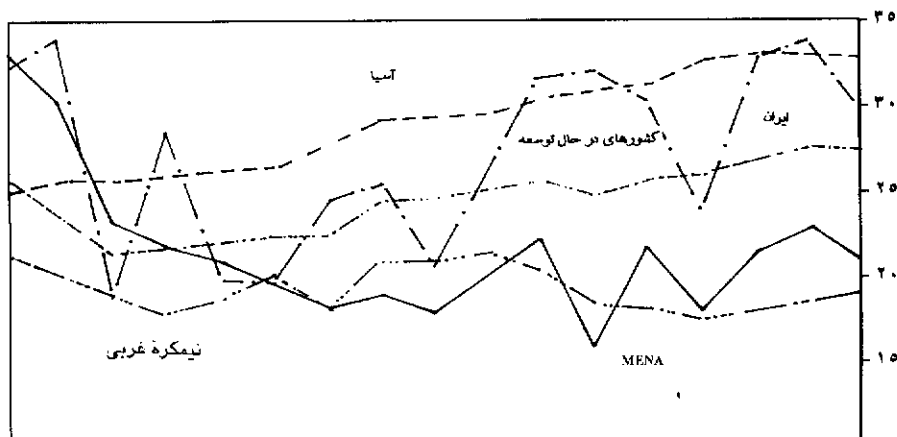
مالیاتی در سال ۱۳۷۱ به وقوع پیوست و با کاهش نرخ مالیات‌ها در برخی از حوزه‌ها و همچنین قطع تخفیف‌های مالیاتی همراه بود، مالیات ستانی کماکان نیاز به بهبود دارد، به ویژه از نقطه نظر ایجاد شفافیت و کاهش بخشودگی‌های مالیاتی. دولت به لزوم افزایش درآمدهای خویش به ویژه از طریق وضع مالیات مصرف، آگاه است. اما در این خصوص بکارگیری اهرم مالیات‌های ارزش افزوده بسیار کند بوده است. در نتیجه، مسئولان مجبور به افزایش بهای عوارض و خدمات دولتی شده‌اند. افزایش بهای خدمات دولتی در واقع همان نقش مالیات را ایفا می‌کند، با این تفاوت که دولت از پیش نتوانسته آن را برنامه ریزی نماید.

اصلاحات ساختار مالی دولت باید از حوزه دولت مرکزی فراتر رفته و شرکت‌های دولتی را نیز شامل شود. بسیاری از سیاست‌گذاران ایران به این مسئله واقف هستند که شرکت‌های دولتی میزان قابل توجهی از منابع بودجه‌ای را جذب کرده و عقیده دارند که دولت باید این گونه شرکت‌ها را خصوصی سازد تا آنها بتوانند از منابع مالی و مدیریت بخش خصوصی استفاده کنند. به عنوان مثال، در حالی که کسری بودجه دولت مرکزی در سال‌های گذشته بسیار ناچیز بوده است، شرکت‌های دولتی نه تنها بخش عظیمی از منابع دولت را مصرف کرده‌اند (به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۲ پرداختی‌های بودجه به شرکت‌های دولتی معادل ۰/۵٪ تولید ناخالص داخلی بود)، بلکه مهم‌تر از آن، این شرکت‌ها ضرر هم داده‌اند. در سال ۱۳۷۴، طبق برنامه، شرکت‌های دولتی دارای کسری پرداختی بالغ بر ۹٪ تولید ناخالص داخلی بودند، که بنا بود از طریق سیستم بانکی کشور جبران گردد. تلاش‌های خصوصی‌سازی تعداد زیادی از شرکت‌های دولتی ایران، از برنامه‌های مهم اصلاحات اقتصادی سیاست‌گذاران ایران به شمار می‌آید و عملاً نیز تعداد زیادی از سهام این شرکت‌ها از طریق سازمان بورس اوراق بهادار تهران عرضه شده‌اند. معهداً، این گونه تلاش‌ها با موانعی جدی

نمودار ۲: سپرده‌های ملی در کشورهای در حال توسعه، منطقه خاورمیانه و شمال

آفریقا (MENA) و ایران ۱۳۷۵ - ۱۳۵۹
(به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی)

منبع: IMF : World Economic Outlook



از جمله مشکلات ساختاری و تشکیلاتی بورس، به ویژه در ارتباط با شفافیت آن، کاستی در اطلاعات موثق درباره عملکرد شرکت‌ها، و فقدان یک سیستم ارزش‌گذاری استاندارد شده، روبرو بوده است^{۱۷}. در نتیجه، با وجود موفقیتی محدود، اکثر سهام شرکت‌های خصوصی شده از طریق بورس به بانک‌های تجاری دولتی فروخته شده‌اند^{۱۸}. علاوه بر آن، وجود ابهامات درباره نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران، و همچنین حضور شرکت‌های بزرگ دولتی و بنیادها، اثرات نامطلوبی بر فرآیند خصوصی‌سازی در ایران داشته است.

ت- اصلاحات بازارهای پول و سرمایه

در حال حاضر، اکثر کارشناسان به این امر واقف هستند که سرمایه‌گذاری خصوصی نیازمند نهادهایی است که بسیج و تخصیص پس‌انداز را ممکن می‌سازد، و همچنین به این که رشد سرمایه‌گذاری با رشد پس‌انداز هماهنگ باشد^{۱۹}. همانگونه که در مطالعه‌ی العریان و کومار (۱۹۹۶) یادآوری می‌شود، ایران در سال‌های اخیر شاهد رشد زیاد پس‌اندازها، که شامل سپرده‌ها در بخش غیردولتی نیز می‌شود، بوده است (نمودار ۳، جدول ۱)^{۲۰}. در این مطالعه تخمین زده می‌شود که متوسط سطح سپرده‌ها ملی ایران در سال‌های ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۳، بالغ بر ۲۵٪ تولید ناخالص داخلی بوده است. البته لازم به ذکر است که سطح بالای پس‌اندازها در این دوره ناشی از بالا رفتن پس‌اندازهای بخش خصوصی و در ارتباط مستقیم با محدودیت شدید واردات و به تبع آن، کاهش تقاضا برای کالاهای مصرفی قرار داشته و احتمالاً یک پدیده دائمی نیست. در این زمینه، مسائل اصلی در برابر اقتصاد ایران عبارتند از: ۱- ارتقاء سطح سپرده‌ها به واسطه تعیین نرخ بهره‌های بانکی بر مبنای نظام بازار و همچنین به واسطه عرضه ابزارهای متنوع پس‌انداز و ۲- بهره‌وری بیشتر در تخصیص سپرده‌ها به بخش خصوصی.

جلب پس‌اندازها مستلزم وجود اوراق بهادار مختلف با بهره‌های واقعی بالا می‌باشد. در این رابطه، ارائه اوراق بهادار جدید می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. با توجه به محدودیت در انتخاب اوراق بهادار، مانند اوراق قرضه شرکت‌ها و سهام، سرمایه‌های بخش خصوصی بیشتر به سوی فعالیت‌های اقتصادی از نوع خرید و فروش ارز، فلزات ارزش‌دار و مسکن جذب می‌شود. از این رو توسعه بازار سهام تهران، تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ارائه اوراق مشارکت اقدامات مثری می‌باشند که در سال‌های اخیر صورت گرفته. از سوی دیگر، نظام بهره در بازارهای پول و سرمایه ایران باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. مطالعات آماری که البته بعضاً مبهم می‌باشد، نمایانگر تاثیر مثبت بهره‌های واقعی بانکی بر جذب پس‌اندازهاست. در این ارتباط، نرخ بهره‌های واقعی منفی در سال‌های گذشته، تاثیر سویی بر پس‌انداز داشته است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۴، درحالی‌که تورم بالغ بر ۴۹٪ بود، نرخ اسمی بهره بانکی برای سپرده‌ها معادل ۱۴٪ بوده و بدین ترتیب نرخ واقعی بهره معادل منفی ۳۵٪ بود. بدیهی است که چنین وضعیتی به ترغیب پس‌انداز نمی‌انجامد. در نتیجه، مسئولان

(جدول شماره ۱)

		رشد واقعی تولید سرانه ناخالص داخلی																			
متوسط		۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	منطقه		
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا		۰.۳	۱.۶	-۰.۳	-۰.۶	۰.۰	-۱.۱	۱.۹	۱.۴	۱.۰	-۲.۴	-۱.۳	-۱.۱	۰.۲	-۰.۳	-۱.۹	-۰.۶	-۵.۱	-۵.۲	حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	
صادر کنندگان نفت		-۰.۳	۰.۸	-۰.۳	-۲.۳	-۰.۳	-۲.۱	۲.۳	۱.۹	۳.۱	-۶.۹	-۳.۰	-۲.۱	-۱.۶	-۱.۲	-۲.۰	-۱.۱	-۲.۹	-۸.۲	صادر کنندگان نفت	
بقیه کشورهای این حوزه		۱.۰	۲.۹	-۰.۵	۲.۲	-۰.۶	-۰.۷	۱.۲	-۰.۶	-۰.۸	۲.۳	۱.۷	-۰.۸	۲.۴	۲.۸	-۰.۴	-۰.۵	۲.۳	۲.۳	بقیه کشورهای این حوزه	
کشورهای در حال توسعه		۴.۱	۴.۵	۴.۲	۴.۵	۴.۳	۳.۹	۳.۲	۲.۴	۲.۳	۳.۳	۲.۵	۲.۸	۳.۰	۲.۴	-۰.۳	-۰.۶	۰.۴	۲.۱	کشورهای در حال توسعه	
کشورهای صحرای آفریقا		-۰.۳	۲.۱	۱.۴	۰.۰	-۱.۸	-۱.۳	-۲.۰	-۱.۳	-۰.۶	۱.۱	-۰.۲	۰.۱	۱.۸	-۱.۹	-۱.۹	-۰.۶	۰.۵	۰.۹	کشورهای صحرای آفریقا	
آسیا		۶.۷	۶.۵	۷.۱	۷.۲	۷.۱	۷.۱	۵.۲	۴.۳	۴.۴	۷.۲	۸.۵	۵.۰	۵.۳	۶.۸	۵.۳	۲.۳	۳.۷	۴.۵	آسیا	
نییم کره غربی		۱.۱	۱.۲	-۰.۸	۲.۸	۱.۳	-۰.۸	۱.۳	-۰.۹	-۰.۸	-۰.۷	۱.۳	۱.۹	۱.۳	۱.۴	-۵.۰	-۱.۹	-۰.۲	۲.۹	نییم کره غربی	
ایران		۱.۴	۲.۳	۰.۵	-۱.۳	۳.۰	-۱.۹	۶.۰	۸.۶	۱.۹	-۱۱.۹	-۲.۵	-۱۲.۳	-۰.۱	-۰.۷	۶.۱	۱۰.۰	۱.۳	-۱۷.۵	ایران	

		سپرده های ملی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی																			
متوسط		۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	منطقه		
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا		۲۲.۸	۲۰.۴	۲۲.۷	۲۱.۲	۱۷.۷	۲۱.۴	۱۵.۴	۲۲.۲	۳۰.۲	۱۷.۸	۱۸.۹	۱۷.۹	۱۹.۲	۳۰.۹	۲۱.۸	۲۲.۴	۳۰.۶	۲۳.۶	حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	
صادر کنندگان نفت		۲۲.۸	۲۲.۲	۲۶.۴	۲۴.۰	۱۹.۲	۲۲.۶	۱۶.۲	۲۶.۰	۳۲.۰	۱۹.۰	۲۰.۹	۲۱.۱	۲۲.۸	۲۵.۰	۲۷.۱	۲۸.۳	۲۲.۲	۲۲.۷	صادر کنندگان نفت	
بقیه کشورهای این حوزه		۱۶.۴	۱۶.۲	۱۷.۰	۱۶.۹	۱۵.۲	۱۹.۲	۱۶.۰	۱۶.۱	۱۷.۳	۱۵.۹	۱۵.۷	۱۲.۷	۱۲.۷	۱۳.۲	۱۴.۳	۱۶.۳	۱۶.۲	۱۶.۲	بقیه کشورهای این حوزه	
کشورهای در حال توسعه		۲۶.۰	۲۷.۰	۲۷.۲	۲۵.۶	۲۵.۳	۲۴.۴	۲۵.۳	۲۴.۸	۲۴.۲	۲۴.۱	۲۲.۱	۲۲.۱	۲۱.۶	۲۱.۳	۲۱.۲	۲۱.۲	۲۲.۲	۲۵.۸	کشورهای در حال توسعه	
کشورهای صحرای آفریقا		۱۱.۶	۱۲.۴	۱۳.۵	۱۱.۹	۱۰.۲	۹.۸	۱۱.۷	۱۲.۵	۱۲.۸	۱۲.۲	۱۱.۷	۱۲.۵	۱۲.۰	۱۰.۸	۱۲.۳	۱۲.۸	۱۲.۲	۱۲.۲	کشورهای صحرای آفریقا	
آسیا		۲۳.۸	۲۲.۳	۲۳.۶	۲۳.۶	۲۲.۱	۲۱.۴	۲۰.۵	۲۰.۰	۲۹.۱	۲۹.۰	۲۸.۹	۲۷.۴	۲۶.۱	۲۶.۰	۲۵.۲	۲۵.۳	۲۵.۴	۲۵.۲	آسیا	
نییم کره غربی		۱۸.۰	۱۸.۳	۱۷.۷	۱۷.۳	۱۷.۹	۱۸.۱	۲۰.۳	۲۱.۱	۲۰.۶	۲۰.۷	۱۷.۹	۱۹.۹	۱۸.۵	۱۷.۸	۱۸.۶	۲۰.۲	۲۱.۳	۲۱.۳	نییم کره غربی	
ایران		۲۹.۸	۲۸.۵	۲۳.۲	۲۲.۰	۲۲.۶	۲۹.۸	۲۱.۶	۳۱.۲	۲۵.۸	۲۰.۱	۲۴.۹	۲۳.۸	۱۹.۴	۱۹.۷	۲۸.۱	۱۸.۸	۲۳.۵	۳۱.۷	ایران	

		تشکیل سرمایه ناخالص به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی																			
متوسط		۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	منطقه		
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا		۲۳.۳	۲۱.۵	۲۳.۲	۲۱.۶	۲۲.۲	۲۵.۵	۲۴.۶	۲۲.۴	۲۲.۲	۲۰.۹	۲۱.۰	۲۳.۵	۲۲.۹	۲۵.۴	۲۵.۳	۲۵.۲	۲۸.۶	۲۶.۸	حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	
صادر کنندگان نفت		۲۳.۳	۲۲.۶	۲۵.۵	۲۲.۰	۲۵.۱	۲۸.۳	۲۷.۳	۲۲.۶	۲۲.۰	۲۱.۳	۲۴.۳	۲۲.۶	۲۵.۲	۲۶.۸	۲۲.۹	۲۸.۱	۲۶.۴	۲۶.۲	صادر کنندگان نفت	
بقیه کشورهای این حوزه		۱۹.۹	۱۹.۸	۱۹.۴	۱۹.۵	۲۰.۰	۲۰.۸	۲۰.۰	۲۰.۸	۲۱.۱	۲۰.۲	۱۸.۴	۲۲.۰	۲۲.۷	۲۵.۷	۲۶.۱	۲۰.۵	۲۹.۵	۲۸.۰	بقیه کشورهای این حوزه	
کشورهای در حال توسعه		۲۸.۰	۲۹.۳	۲۸.۸	۲۸.۰	۲۸.۵	۲۷.۰	۲۶.۱	۲۵.۸	۲۶.۰	۲۵.۶	۲۴.۵	۲۴.۰	۲۳.۸	۲۲.۱	۲۲.۹	۲۴.۹	۲۶.۱	۲۵.۶	کشورهای در حال توسعه	
کشورهای صحرای آفریقا		۱۸.۷	۱۹.۸	۲۰.۲	۱۹.۳	۱۸.۰	۱۷.۲	۱۷.۵	۱۷.۳	۱۷.۷	۱۸.۸	۱۸.۲	۱۷.۸	۱۶.۹	۱۷.۶	۱۷.۳	۲۰.۵	۲۵.۵	۱۸.۱	کشورهای صحرای آفریقا	
آسیا		۲۲.۹	۲۲.۷	۲۳.۰	۲۲.۳	۲۳.۱	۲۱.۱	۲۰.۵	۲۰.۳	۲۹.۶	۲۸.۳	۲۸.۰	۲۸.۰	۲۶.۷	۲۷.۲	۲۷.۰	۲۷.۰	۲۷.۷	۲۲.۷	آسیا	
نییم کره غربی		۲۰.۴	۲۰.۷	۲۰.۱	۲۰.۷	۲۰.۸	۱۹.۵	۲۰.۵	۲۱.۷	۲۲.۰	۲۱.۰	۱۸.۷	۱۹.۱	۱۷.۸	۱۸.۱	۲۲.۱	۲۴.۵	۲۴.۶	۲۴.۶	نییم کره غربی	
ایران		۲۹.۳	۲۴.۴	۲۹.۳	۲۲.۲	۲۹.۲	۲۵.۴	۲۲.۹	۲۸.۶	۲۲.۸	۱۹.۱	۲۲.۶	۲۳.۲	۱۸.۴	۱۸.۶	۲۵.۹	۱۷.۳	۲۴.۴	۳۲.۵	ایران	

		تراز پرداخت های خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی																			
متوسط		۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	منطقه		
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا		-۴.۱	-۰.۴	-۱.۴	-۱.۷	-۴.۷	-۴.۵	-۱۱.۶	-۰.۱	-۱.۶	-۲.۲	-۲.۲	-۵.۶	-۲.۲	-۳.۷	-۳.۹	-۰.۴	۷.۸	۱۶.۱	حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا	
صادر کنندگان نفت		-۴.۱	-۰.۹	-۰.۴	-۱.۱	-۴.۷	-۴.۷	-۱۴.۶	-۰.۳	-۱.۰	-۲.۲	-۲.۲	-۵.۵	-۱.۳	-۲.۶	-۳.۳	-۰.۸	۱۰.۷	۲۰.۱	صادر کنندگان نفت	
بقیه کشورهای این حوزه		-۴.۱	-۵.۲	-۲.۶	-۲.۶	-۴.۷	-۳.۶	-۲.۶	-۱.۶	-۴.۰	-۳.۰	-۲.۱	-۴.۲	-۵.۱	-۸.۳	-۶.۶	-۶.۳	-۶.۹	-۴.۴	بقیه کشورهای این حوزه	
کشورهای در حال توسعه		-۱.۸	-۱.۷	-۱.۵	-۱.۵	-۲.۳	-۱.۸	-۲.۲	-۰.۱	-۰.۳	-۰.۶	-۰.۱	-۱.۸	-۱.۰	-۱.۳	-۲.۴	-۴.۰	-۱.۴	۱.۴	کشورهای در حال توسعه	
کشورهای صحرای آفریقا		-۴.۷	-۶.۳	-۵.۷	-۶.۵	-۷.۳	-۷.۲	-۶.۹	-۶.۲	-۵.۴	-۵.۸	-۵.۳	-۴.۷	-۲.۶	-۲.۷	-۵.۱	-۵.۹	-۲.۴	-۲.۵	کشورهای صحرای آفریقا	
آسیا		-۰.۵	-۱.۶	-۱.۰	-۰.۲	-۰.۷	-۰.۴	-۰.۱	-۰.۱	-۰.۳	۱.۱	۲.۰	-۰.۵	-۱.۳	-۰.۳	-۱.۷	-۱.۷	-۲.۱	-۲.۱	آسیا	
نییم کره غربی		-۲.۵	-۲.۱	-۲.۱	-۲.۲	-۲.۳	-۲.۸	-۲.۸	-۰.۱	-۰.۶	-۱.۰	-۱.۲	-۲.۴	-۰.۳	-۰.۳	-۱.۲	-۵.۲	-۴.۵	-۳.۰	نییم کره غربی	
ایران		-۱.۲	۵.۰	۳.۹	۲.۷	-۵.۶	-۶.۷	-۱۱.۳	-۳.۰	-۲.۳	-۲.۳	-۲.۸	-۶.۸	-۱.۲	-۰.۶	-۰.۳	۳.۷	-۴.۱	-۳.۸	ایران	

در تلاش افزایش نرخ واقعی بهره به واسطه کاهش تورم بوده‌اند، معهذاً جذب بهتر سپرده‌ها نیاز به یک نظام انعطاف پذیر تعیین نرخ بهره دارد که بازتابی باشد از شرائط موجود در زمینه میزان تقاضا برای وام.

علاوه برآن، تخصیص پس اندازها نیز باید ارتقاء یابد. همانگونه که نمودار ۵ نشان می‌دهد، بلافاصله پس از انقلاب سهم اعتبارات بانکی بخش خصوصی شدیداً کاهش یافت و بیشتر منابع به سوی بخش دولتی سوق داده شد. البته یکی از دلایل این امر، دولتی شدن بسیاری از واحدهای اقتصادی متعلق به بخش خصوصی در سال‌های اول انقلاب بود. با وجود بهبود در این حوزه در اواخر دهه ۱۳۶۰، سهم کل اعتبارات بانکی ای که در سال ۱۳۷۴ به بخش خصوصی واگذار شد، معادل ۴۰٪ کل اعتبارات بانکی بود^{۲۱}. با استمرار کسری بودجه و نیاز شرکت‌های دولتی به اعتبارات بانکی، سهم سپرده‌هایی که در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد، محدود خواهد ماند. علاوه برآن، بانک مرکزی ایران از طریق ایجاد سقف‌های تعریف شده برای اعتبارات بین بانکی، در کنترل کامل واسطه‌گری‌های مالی بین بانک‌ها تلاش کرده است. جالب اینجاست که دخالت روزافزون بانک مرکزی در حوزه اعتبارات بین بانکی زمانی رخ داده است که کنترل عمومی سیاست‌های اعتباری از بانک مرکزی به مجلس که سقف‌های اعتباری را در چارچوب قانون بودجه تعیین می‌نماید، منتقل شده است. در این حوزه، نیاز مبرمی به استقلال بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای سیاست‌های پولی همانند سیاست‌های اعتباری و نرخ بهره بانکی جهت کنترل رشد سریع نقدینگی، احساس می‌شود. علاوه برآن، بانک مرکزی باید به تدوین یک برنامه اصلاحات بخش مالی بپردازد. برنامه‌ای که شامل تاسیس بانک‌های خصوصی شده و بدین ترتیب، هم نقش نیروهای بازار را در تعیین نرخ بهره‌ها ارتقاء بخشیده و هم به دسترسی بیشتر بخش خصوصی به منابع مالی یاری رسانیده است.

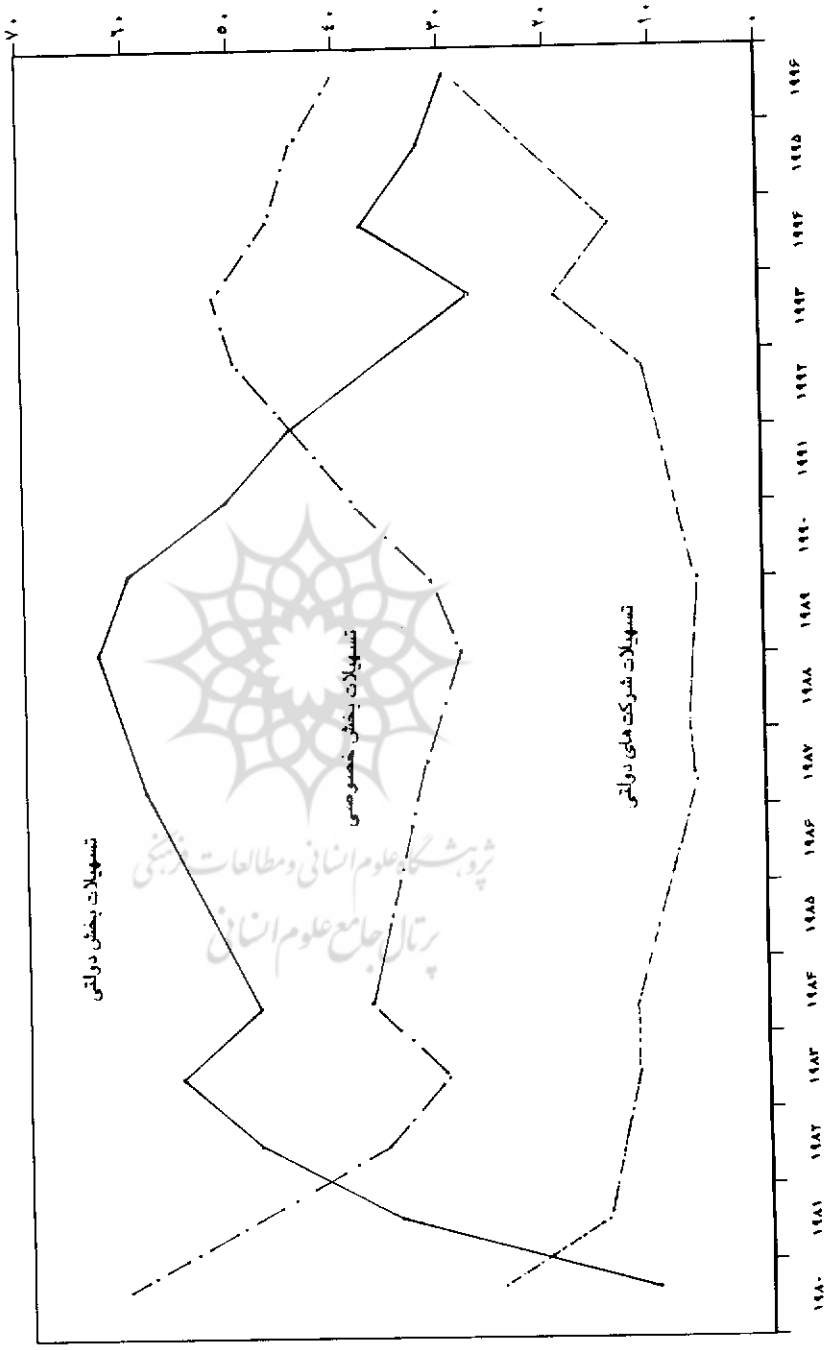
ث- تأمین اجتماعی و حفاظت از اقشار آسیب پذیر

اصلاحات ساختاری همانند مواردی که در بالا به آنها اشاره شد، معمولاً به هزینه‌های اجتماعی و مشکلات تعدیلی مهمی می‌انجامند. به عنوان مثال، اصلاح قیمت‌ها دشواری‌هایی را بر اقشار آسیب پذیر تحمیل می‌کند. برای حفاظت از اقشار آسیب پذیر و تأمین سطح زندگی اقشار کم درآمد، اصلاحات باید جایگاه آشکاری برای این نوع هزینه‌ها داشته باشند. در این جهت، اقداماتی جدی در بهبود حوزه تأمین اجتماعی، الزامی است. در سال‌های اخیر دستاوردهای پراهمیتی از نظر بهداشت و تعلیم و تربیت حاصل شده است، لکن طبق گزارش اخیر سازمان ملل متحد ۱۸٪ از جمعیت ایران در فقر زندگی می‌کنند.^{۲۲} در حال حاضر، وظایف تأمین اجتماعی در ایران توسط چند سازمان، به ویژه سازمان تأمین اجتماعی و تعدادی از بنیادها، انجام می‌پذیرد. حال آنکه، تأسیس یک نظام منسجم برای فقرزدایی و تخصیص یارانه‌ها به نیازمندترین اقشار، بسیار عاجل به نظر می‌رسد. چنین اقداماتی نه فقط برای جبران کمبودها و برطرف کردن نیاز اقشار آسیب پذیر الزامی است بلکه برای ایجاد یک

منبع : World Economic Outlook : IMF

نمودار ه : ترکیب اعتبارات داخلی ۱۳۷۵ - ۱۳۶۰
(درصد کل اعتبارات داخلی)

برقار سال‌های ۷۱ و ۷۲ شمسی هستند.



تفاهم عمومی دربارهٔ اصلاحات نیز مورد نیاز می‌باشد. در عین حال، تمام تلاش‌هایی که با هدف فقرزدایی و ارتقاء توزیع ثروت انجام می‌شوند، باید از گرایش به ناهمگونی اساسی در نظام قیمت‌گذاری، پرهیز نمایند. تجربهٔ ایران و نیز بسیاری دیگر از کشورها نشان داده‌است که تلاش در حفظ منافع اقشار آسیب‌پذیر به واسطهٔ تبعیض در قیمت‌ها، اغلب به خود آن اقشار ضربه وارد می‌کند.^{۲۳}

نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران در نقطهٔ مهمی از تکامل خود قرار دارد. با وجود تغییراتی در سیاست‌گذاری و شناسایی اهمیت نقش بخش خصوصی در تأمین سرمایه‌گذاری و رشد، برخی از عوامل ساختاری اقتصاد ایران مانع از تحقق توان بالقوهٔ این بخش گشته‌اند. تقریباً تمام مطالبی که در این مقاله عنوان شد، در بحث‌های سیاست اقتصادی سال‌های اخیر ایران به چشم می‌خورند، و برخی نیز در برنامه‌های پنجساله منظور شده‌اند. چیزی که ایران هم اکنون به آن نیاز دارد، بحثی عمومی و گسترده است که به واسطهٔ آن اتفاق نظر در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، به ویژه آن گروه‌هایی که احتمالاً از این گونه اصلاحات ضربه خواهند خورد، به دست آید. هدف از این بحث گسترده باید شناسایی چالش‌هایی باشد که اقتصاد ایران با آنها روبرو است و تدوین برنامه‌ای برای غلبه بر آنها.

گفتگو ۳۵

* اصل این مقاله به زبان انگلیسی برای دفتر فصلنامه ارسال شد و ترجمهٔ آن پس از بازبینی مؤلف در اینجا منتشر می‌شود.

یادداشت‌ها

- ۱- این مقاله برای انتشار در فصلنامهٔ گفتگو تهیه شده است. عدنان مزارعی اقتصاددان بخش خاورمیانهٔ صندوق بین‌المللی پول است. نقطه نظرات مؤلف در این نوشته لزوماً بازتاب نظرات صندوق بین‌المللی پول نیست. مؤلف از یاری سنا اکین و حسین سمیعی برای مطالعهٔ نسخهٔ پیشینی از این نوشته و تذکراتشان، تشکر می‌نماید.
- ۲- کشورهای این منطقه که در ادبیات اقتصاد بین‌المللی به منطقهٔ MENA شهرت دارد، عبارت است از: الجزایر، بحرین، ایران، عراق، کویت، لیبی، عمان، قطر، عربستان سعودی، و امارات متحدهٔ عربی که کشورهای صادرکنندهٔ نفت این منطقه هستند، و جیبوتی، مصر، اردن، لبنان، موریتانی، مراکش، سومالی، سودان، سوریه، تونس، و یمن که جزو صادرکنندگان نفت نمی‌باشند.
- ۳- از جمله آخرین تحقیقات در این زمینه نگاه کنید به: حمید طباطبایی و فرهاد مهران، «جمعیت، نیروی کار و اشتغال»، ایران‌نامه، جلد ۱۳، ۱۳۷۴، صص ۲۰۹-۲۲۸.
- ۴- بالاترین نرخ تورم مربوط به سال ۱۳۷۴ است که به ۴۹٪ بالغ شد و تا حدی فشارهای خارجی و تحریم‌ها بر نرخ تبدیل ارز بود. در تاریخ اقتصادی ایران، فقط در سال‌های سخت جنگ جهانی دوم بود که نرخ تورم بالاتر از این سطح مشاهده شد. بالاترین نرخ تورمی که در تاریخ ایران مشاهده شده است، مربوط به سال ۱۳۲۱ می‌باشد و به ۱۱۰٪ بالغ

می‌شود. هرچند به دلیل تغییر سبد محصولات مصرفی این دو رقم کاملاً با یکدیگر قابل مقایسه نیستند.

۵- برای بحث در مورد اقتصاد ایران بعد از انقلاب رجوع کنید به

Jahangir Amuzegar, 1993, "Iran's Economy under the Islamic Republic", London, I.B. Tauris. and Adnan Mazarei, 1996, "The Iranian Economy under the Islamic Republic: Institutional Change and Macroeconomic Performance," Cambridge Journal of Economics, Vol. 20 (May), pp. 289-314.

۶- این ارقام تغییرات در موجودی انبارها را شامل نمی‌شود.

۷- یکی از نتایج این تغییرات آن است که افراد شاغل در حوزه خدمات از ۳۲٪ در سال ۱۳۵۶ به ۵۱٪ در سال

۱۳۷۰، افزایش یافته است. نگاه کنید به مقاله طباطبایی و مهران که در یادداشت ۳ به آن رجوع شده است.

۸- اسناد برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلد ششم، سازمان

برنامه و بودجه ۱۳۷۳.

۱۰- در این مورد نگاه کنید به:

Masoud Karshenas and Hashem Pesaran, "Exchange Rate Unification, the Role of the Markets and Planning in the Iranian Economic Reconstruction", in L'Economie de L'Iran Islamique, ed. by Thierry Coville, IFRI, Tehran, 1994

۱۱- «ارزش واقعی نرخ برابری ارز» شاخصی است موزون بر حسب تجارت ایران با شرکای تجاری اصلی خود.

افزایش این شاخص نشان دهنده افزایش ارزش واقعی ریال و موجب کاهش توانایی رقابت می‌باشد.

۱۲- بررسی این نوع هزینه‌ها که در ارتباط با حساب تسویه بدهی‌های ارزی قرار دارد، در نشریه ذیل، موجود می‌باشد:

International Monetary Fund, "Islamic Republic of Iran - Recent Economic Developments.", 1995

۱۳- یارانه‌های مستقیم یارانه‌هایی هستند که در قانون بودجه منظور شده‌اند. یارانه‌های تلویحی آن دسته از هزینه‌های

های می‌باشند که به واسطه عرضه کالاها و خدمات و ارز خارجی به قیمت پائین تر از قیمت بازار، ارائه می‌گردند.

۱۴- در بررسی وضعیت اشتغال در خاورمیانه، شبان، اسد و القدسی، به این نتیجه رسیدند که حدوداً ۳۰٪

نیروی کار ایران در بخش دولتی مشغول است. ر.ک. به:

Radwan A. Shaban, Ragui Assad and Suleyman Al-Qudsi, "Employment Experience

in the Middle East", Economic Research Forum Working Paper, 9401, 1994.

۱۵- برای بحث در مورد اندازه دولت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین ساختار مالی آنها، ر.ک.

به:

Sena Eken, Thomas Helbling, and Adnan Mazarei, "Fiscal Policy and Growth", in Middle. Building on Progress: Reform and Growth in the Middle East and North Africa", 1996, Eastern Department, IMF, Washington

۱۶- در عین حال جالب توجه است که بنا به آمار رسمی، هزینه های نظامی در ایران پائین تر از سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. به عنوان مثال این هزینه در بودجه سال ۱۳۷۴ به ۳٪ تولید ناخالص داخلی بالغ می شود.

۱۷- ارزش گذاری شرکت ها به واسطه عوامل مختلف، به ویژه استمرار یارانه ها و نظام چند نرخ ارز، بسیار دشوار بوده و بدین ترتیب ارزیابی سوددهی شرکت ها با مشکل مواجه می شود.

۱۸- ر.ک. به:

Firouzeh Khalatbari, "The Tehran Stock Exchange and Privatisation", in Thierry Coville, The Economy of Islamic Iran: Between State and the Market, IFRI, 1994.

19- Martin Feldstein and Charles Herioka, "Domestic Savings And International Capital Flows," Economic Journal, Vol. 90, 1980, pp. 314-329.

20- Mohamed A. El-Erian and Manmohan S. Kumar, "Mobilisation of Saving in developing Countries: The Case of the Islamic Republic of Iran," IMF Working Paper, WP/96/136, 1996.

۲۱- در این زمینه، لازم به ذکر است که در آمار مالی ایران، اعتبارات متعلق به بنیادهای نیمه دولتی، به عنوان اعتبارات بخش خصوصی منظور می شود. در نتیجه، سطح واقعی اعتبارات بخش خصوصی از این مقدار نیز کمتر است.

22- Report of the Resident Coordinator of the United Nations on the Islamic Republic of Iran (1997).

23- Rudiger Dornbusch and Sebastian Edwards (Eds.), "The Macroeconomics of Populism in Latin America", Chicago, The University of Chicago Press, 1991.

تجربه ایران در مقاله تألیف شده توسط مزارعی (یادداشت شماره ۵) مورد بازبینی قرار گرفته است.

